

توجه به ارتباط نسل ها در برنامه های توسعه پنج ساله و چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران

عزیزالله تاجیک اسمعیلی^۱

چکیده

ظهور و بروز تحولات و دگرگونی های سریع، وسیع و فراگیر در جوامع باعث ایجاد فاصله یا شکاف نسلی می شود و هر اندازه که سرعت و وسعت این تغییرات بیشتر باشد، فاصله نسلیها نیز بیشتر خواهد بود. جوامع بر اساس ویژگیهای خود، تغییرات کند یا پرسرعتی را در عناصر فرهنگی تجربه می کنند. مدیریت و کنترل این تغییرات گریزناپذیر، می تواند جوامع را در رویارویی با این تحولات پرسرعت و فراگیر یاری کند. در صورتیکه مدیران فرهنگی جامعه موضوع مناسبات و تفاوت های نسلی را آگاهانه، هوشمندانه و هوشیارانه مورد توجه قرار دهند، می توانند از تبعات منفی این شکاف نسلی جلوگیری کنند. توجه آگاهانه را می توان از خلال اسناد و برنامه های توسعه اجتماعی - فرهنگی، ملاحظه کرد. مقاله حاضر با روش اسنادی - کتابخانه ای و با هدف بررسی برنامه های اول تا چهارم توسعه در ارتباط با چهارمقوله فرهنگ، آموزش و پرورش یا آموزش عالی، نوجوان و جوان و زنان و بررسی ارتباط نسلی از خلال سند چشم انداز بیست ساله به منظور شناخت میزان توجه این اسناد به ارتباط نسلی به نگارش درآمده است.

کلمات کلیدی: ارتباط نسل ها، شکاف نسلی، برنامه توسعه، چشم انداز بیست ساله

<http://www.rooznameh.com>

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، پست الکترونیک: tajikesmaeili@khu.ac.ir

مقدمه

مفاهیمی چون گسست یا شکاف نسلی^۱ یا ارتباط نسلی، به عنوان مفاهیم جامعه شناختی و فرهنگی، از موضوعات مبهم و پیچیده هستند (پناهی، ۱۳۸۲، به نقل از Kain، ۱۹۹۰). فرهنگ آکسفورد فاصله نسلی را "اختلاف در نگرش‌ها، فقدان تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن در یک جامعه" تعریف می‌کند.

در فرایند تحولات اجتماعی و فرهنگی، میزان تداوم عناصر و کلیت یک فرهنگ از نسلی به نسل دیگر، شاخص استمرار و ارتباط نسلی محسوب می‌شود. این وضعیت از طریق "اجتماعی کردن" مطلوب کودکان و نوجوانان (به عنوان نسل جدید در یک نظام فرهنگی)، اشتراک فرهنگی و عدم اختلاف در ارزش‌ها و هنجارها بین نسل‌های گذشته، حال و آینده، تفاهم بین نسل‌ها و عدم بحران هویت قابل بررسی و شناسایی است. در نقطه مقابل، تفاوت در ارزش‌ها، هنجارها و سبک‌های زندگی و یا اندیشیدن یک نسل در مقایسه با نسل گذشته به مثابه فاصله، شکاف یا گسست نسلی تلقی می‌شود.

پذیرش تحول در فرهنگ مستلزم قبول تفاوت در هنجارها و ارزشها در بین نسل‌های مختلف یک جامعه است، هرچند این تفاوت معمولاً نوعی ارتباط و استمرار در عناصر فرهنگ را با خود دارد، ولی وجود فاصله نسلی در جوامع مختلف، موضوعی است که از منظر جامعه شناختی قابل قبول و شاید تا حدودی گریزناپذیر است. دانشمندان علوم اجتماعی فاصله نسلی را به نسل‌های مختلف و جوامع مختلف تعمیم می‌دهند. بروز دگرگونی‌های سریع و وسیع در جوامع باعث ایجاد فاصله (شکاف) نسلی می‌شود و هرچه سرعت و وسعت این تغییرات بیشتر باشد، فاصله نیز بیشتر خواهد بود.

مبانی نظری فاصله نسلی

فاصله نسلی را می‌توان پیامد تغییرات فرهنگی دانست؛ تغییراتی که سرعت و وسعت از ویژگی‌های اساسی آن است. هنگامی که یک نظام فرهنگی ساده و بسیط است و از پیچیدگی برخوردار نیست و به تعبیر دورکیم صورت نوعی آن سنتی است، نسل‌های مختلف (سه نسل در خانواده گسترده) باهم زندگی می‌کنند و تقسیم کار ابتدایی و پایین است و اکثر کارها توسط اعضای خانواده صورت می‌گیرد، تفاوت و فاصله نسلی دیده نمی‌شود. با شروع فرایند

^۱ Generation Gap

صنعتی شدن، وضعیت جامعه سنتی دگرگون می شود. خانواده گسترده به خانواده هسته ای مبدل می شود که در آن فقط دو نسل (پدر و مادر و فرزندان) با یکدیگر زندگی می کنند و تحولات اجتماعی منجر به کاهش همگونی فرهنگی در جامعه می شود و تعدد و تکثر افکار و ارزش ها و سبک های زندگی بروز می کند (کوزر، ۱۹۲-۱۸۸). مارگریت مید صورتهای نوعی جوامع را از حالت عدم تحول تقریبی تا تحولات سریع ذیل سه عنوان توصیف می کند:

۱. جوامع با تغییرات کند فرهنگی^۱

۲. جوامع با تغییرات متوسط فرهنگی^۲

۳. جوامع با تغییرات سریع فرهنگی^۳

به نظر وی (پناهی ۱۳۸۲، به نقل از Mead، ۱۹۷۸) در جوامع نوع اول، کندی تغییر به گونه ای است که هر فرزند آینده خود را در زمان حال والدین خویش می بیند و انتقال فرهنگ نسبتاً کامل و بدون تغییر از یک نسل به نسل بعد صورت می گیرد.

در جوامع نوع دوم، دگرگونی به گونه ای است که نسل گذشته الگوی نسل حال (بعدی) نیست و هر دو نسل می پذیرند که زندگی آنان نمی تواند مشابه هم باشد، انتقال فرهنگی در این جوامع ناقص است و فرهنگ نمی تواند عیناً به نسل بعد منتقل شود و نسل جدید برای یافتن سبک زندگی بیشتر به اعضای هم سن خود روی آورده و شرایطی مانند مهاجرت، شهر نشینی صنعتی شدن این وضع را به وجود می آورد.

در جوامع نوع سوم دگرگونی ها بسیار شدید است، به طوری که نسل جدید نه تنها نمی تواند از نسل گذشته الگو بگیرد، بلکه برای نسل گذشته این توصیه را هم دارد که هنجارها و ارزش های خود را بر مبنای فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و مبادرت به اجتماعی شدن مجدد بنماید. به طور کلی، به نظر مید علت فاصله نسلی تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی است که در این جهان اتفاق افتاده است. او با بررسی جنبش های دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ در غرب معتقد است علت ساختارهای ضد فرهنگی و غیر متفارف دانشجویان، فاصله نسلی بین دو نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم است. تفاوت های اتفاق افتاده در سبک زندگی مردم، پیدایش رسانه

^۱ postfigurative Culture

^۲ Configurative Culture

^۳ Prefigurative Culture

ها و تلویزیون، بمب اتم و... باعث شده که نسل جدید تجارب تازه ای را داشته باشد که نسل گذشته نمی تواند آن را درک کند.

علاوه بر تحول و دگرگونی که در یک نظام فرهنگی رخ می دهد، تبادل بین فرهنگ ها و نفوذ عناصر یک فرهنگ در فرهنگ دیگر نیز می تواند شکاف نسلی را ایجاد کند (مددپور، ۱۳۸۲). در چنین وضعیتی انتقال عناصر فرهنگی معمولاً بدون سلسله مراتب تکوینی و تدریجی رخ می دهد و در فرآیند آن نوعی گزینش تصادفی حاکم است. بدین ترتیب مجموعه ای ناقص و بدون ارتباط منسجم با یک نظام فرهنگی ممکن است به دست افراد یک جامعه برسد و آنان را به نوعی انفعال بکشاند یا وادار به واکنش یا بازسازی فرهنگی نماید (پیشین).

فاصله یا شکاف نسلی را نمی توان به خودی خود مثبت یا منفی ارزیابی کرد. نگاه به مقوله تفاوت نسلی و استفاده از تعبیری همچون "فاصله"، "شکاف" و "گسست" که هرکدام بار ارزشی و عاطفی خاص خود را دارند، به نظر می رسد بر اساس این تحلیل بنا شده اند که آنچه به عنوان نظام ارزش ها و عناصر فرهنگی گذشته و حال وجود دارد در مقایسه با آنچه در نتیجه تحولات و تغییرات رخ می دهد بهتر است و تغییرات فرهنگی ضمن به هم زدن نظم آن در جنبه های مختلف (ر.ک: چلبی، ۴۹-۳۱) به انحطاط و اضمحلال ارزش های فرهنگی و اجتماعی منجر می شود.

تحلیل روانشناختی این تحول و تفاوت برداشت دیگری به دست می دهد. نسل جدید، یعنی نوجوانان و جوانان، براساس قاعده رشد و تحول شناختی و معرفتی، هرچند در دوران بلوغ دچار عدم تعادل و علی الظاهر گسست از نسل قبل می شود، ولی در سطح فردی این عدم تعادل منشا تکاپوهای شناختی و معرفتی است (جلالی، ۱۳۸۲، ۹۰) و حتی جوان را به جست و جوی ارزش های والا و مطلق اخلاق و معنوی و نقادی ارزش ها و هنجارهایی سوق می دهد که در جامعه وجود دارد و در ظاهر مطابق فطرت عقلی و روانی انسان تلقی می شود. یک مصداق این تحلیل با توجه به تعریف مارگریت مید از فرهنگ دچار تغییر سریع فرهنگی تحولات پس از انقلاب های اجتماعی است؛ مانند انقلاب کبیر فرانسه و یا انقلاب اسلامی ایران. تغییرات در هنجارها و ارزش ها پس از این انقلابها هرچند نوعی گسست از عناصر فرهنگی گذشته تلقی می شوند ولی در جهت تکامل اجتماعی و تعالی فرهنگی هستند. در تحلیل این تغییرات باید ملاک ها و معیارهای روانشناختی و انسان شناختی را مورد توجه قرار دهیم.

مطالعات موجود درباره روند تحول فرهنگی جامعه ایران حتی در زمان حال نیز تاحدودی این ادعا را تأیید می‌کند. در یک تحلیل ثانوی از نتایج نظر سنجی سال ۱۳۷۴ روی نمونه ۳۵۴۰ نفری از ۱۵ شهر ایران (پناهی، به نقل از محسنی، ۱۳۷۵) نشان می‌دهد که تفاوت نگرش‌ها و باورهای نسل جوان و مسن جامعه در برخی هنجارها و ارزش‌ها قابل توجه و تأمل است. جدول ذیل تفاوت باورهای نسل جوان (۲۵-۳۴) و مسن (بالتر از ۵۵ ساله) را در برخی شاخص‌های ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هنجارهای رفتاری نشان می‌دهد.

تفاوت باورهای نسل جوان و مسن نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (درصد موافقان)

تفاوت	مسن	جوان	نوع ارزش (هنجار)
۴/۲	۵۳/۱	۴۸/۹	اهمیت پول
۳/۴	۶۹/۸	۷۳/۲	اهمیت کار
۳/۳	۷۲/۴	۶۹/۱	اهمیت شهرت
۰/۳	۹۸/۰	۹۸/۳	اهمیت علم
۱۲/۳	۷۷/۴	۶۵/۱	اعتقاد به سرنوشت
۳/۸	۸۴/۹	۸۱/۱	مقدرشدن روزی
۱/۵	۸۰	۷۸/۵	شانس
۱۵/۸	۶۶/۵	۵۰/۷	شرکت در مجالس روضه خوانی
۱۸/۵	۵۳/۷	۳۵/۲	رفتن به نماز جماعت

چنانکه ملاحظه می‌شود در برخی جنبه‌ها تفاوت بین دو نسل به گونه‌ای است که می‌توان آن را مثبت ارزیابی کرد، مانند توجه کمتر به پول و شهرت و توجه بیشتر به ارزش و اهمیت کار و یاعدم واگذاری امور به سرنوشت و مقدرات (بدون اینکه انسان برای کار و تلاش خود نقشی قائل شود). هرچند تفاوت در هنجارهای دینی و مذهبی حکایت از تغییرات قابل توجه رفتاری در نسل جوان دارد. ولی اگر هنجارها را بیان عینی باورها و ارزش‌های فرهنگی بدانیم، می‌توان تغییر در برخی الگوها را قابل انتظار دانست، به ویژه عامل تحصیلات، شهرنشینی و تحولات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن می‌تواند اثرات قابل توجهی بر این تفاوت‌ها بگذارد که موضوع بحث این نوشتار نیست (ر.ک پناهی).

توجه به مناسبات نسلی در برنامه های توسعه و سند چشم انداز

در صورتیکه مدیران فرهنگی جامعه موضوع مناسبات و تفاوت‌های نسلی را آگاهانه مورد توجه قرار دهند، باید از خلال اسناد و برنامه های توسعه اجتماعی- فرهنگی بتوان این توجه را ملاحظه نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، امور فرهنگی و سیاسی تحت الشعاع جنگ و شرایط ناشی از آن بود. پس از پایان جنگ، شش برنامه توسعه تنظیم شده که چهاربرنامه (سالهای ۷۲-۶۸، ۷۸-۷۳، ۸۳-۷۹ و ۸۸-۸۴) در نوشتار حاضر بررسی می شوند. در این فاصله تدوین سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران (تا سال ۱۴۰۴ ه.ش) ضمن آنکه افق مطلوب فرهنگی دو دهه آینده را ترسیم می کند، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در این مقاله سعی شده بر اساس برداشت ذکر شده از روابط و مناسبات نسلی و با روش بررسی مفاد و محتوای برنامه ها از هر یک از برنامه ها یک ارزیابی بدست آید و در عین حال با نگاهی به چهار برنامه مذکور و نیز سند چشم انداز بیست ساله نوع نگاه به موضوع رابطه نسلی مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد.

روش بررسی به این صورت بوده که در اهداف، خط مشی ها، سیاست ها و یا مواد برنامه ها، هرگونه طرح موضوع، حکم یا قانون که به نحوی به چهار مقوله "فرهنگ" (به طور عام)، "آموزش و پرورش یا آموزش عالی"، "نوجوان و جوان" و "زنان" مربوط بوده از جهت محتوا بررسی شده است.

علت انتخاب این چهار مفهوم به عنوان مفاهیم مرتبط این است که ارتباط نسلی در کل یک موضوع فرهنگی است که مصادیق عمده آن نوجوانان و جوانان و موضوع آموزش و پرورش (یا گاه آموزش عالی) هستند. در شرایط کنونی جامعه و با توجه به وضعیت فرهنگی اجتماعی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه که مسائل فرهنگی - اجتماعی خاص خود را در تلاقی ارزش های اسلام، غرب و شرایط در حال گذار جامعه (به ویژه در نسل جوان) دارند، هر جا در برنامه های توسعه اشاره خاصی به مسأله زنان صورت گرفته نیز بررسی شده است.

برنامه اول توسعه

قانون برنامه اول به صورت ماده واحده شامل هدفهای کلی، خط مشی ها، هدفهای کمی و سیاست های کلی همراه با ۵۲ تبصره تنظیم شده است. هدفهای کلی این قانون شامل ده هدف است که ده خط مشی نیز برای تحقق آنها (به همراه بندهای فرعی ذیل هر خط

مشی) تدوین گردیده است. تصویر کلان برنامه شامل شش عنوان است و دوازده بند هدفهای کمی کلان و یازده بند سیاست های کلی برنامه را تشکیل می دهد.

مقوله های مرتبط با موضوع ارتباط نسلی از خلال مواد و عناوین مذکور در برنامه اول شامل موارد ذیل می شود:

در بخش فرهنگ، رویکرد برنامه اول در مجموع توجه عام به انتقال ارزش های فرهنگی، تقویت فرهنگ عمومی و تقویت بسترهای فرهنگی، ایجاد بناها، تأسیسات و اصلاح ساختار نهادهای فرهنگی است. توجه به جنبه های آسیب شناختی فرهنگی - اجتماعی همچون قانون گریزی، رشد بی رویه جمعیت و لزوم اتخاذ تدابیر و راهکارهایی برای مواجهه با آنها فراز دیگر توجه به مسائل فرهنگی در برنامه اول است.

نکات مذکور در تبصره های ۱۰ (ایجاد بناها و تأسیسات فرهنگی)، ۲۵ (ادغام سازمانها و اصلاح ساختارهای نهادهای فرهنگی)، ۵۱ (تقویت بنیه مالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و در بند ۳ هدفهای کلی (گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون با توجه خاص نسبت به نسل جوان) و نیز در خط مشی ها، بند ۳ (ایجاد و تقویت بسترهای فرهنگی و آموزشی، در ۸ بند فرعی، اقدام های آموزشی و تربیتی برای انتقال فرهنگ، ارزش ها و هنجارها، بندهای ۴ و ۱۷ فرعی) و نیز خط مشی شماره ۶، خط مشی ۷ (اولویت دادن به نیازهای فرهنگی - اجتماعی)، خط مشی ۹ (ارتقای انطباط اجتماعی) ملاحظه می شود.

در بند ۱ از تصویر کلان برنامه (جمعیت) نیز اتخاذ سیاست جمعیتی تحدید موالید مورد تأکید قرار گرفته است.

رویکرد آموزشی برنامه اول را در سه فراز عمده می توان جمع بندی کرد. این سه فراز عبارتند از:

نخست، تعمیم و گسترش کمی آموزش (عمومی و عالی) که در تبصره های ۶- بند "ه" - (دست یابی به خودکفایی نیزوی انسانی، بخصوص در زمینه های تخصصی)، تبصره ۱۴ (اصلاح نظام آموزش و پرورش)، تبصره ۴۵ (تأمین نیاز اعضای هیأت علمی دانشگاه ها) و تبصره ۴۸

(گسترش کمی آموزش عالی) و بندهای ۶ و ۸ از خط مشی ۳ (تعمیم آموزش) و بند ۱-۱ از تصویر کلان (افزایش سطح سواد و دانش عمومی) ذکر شده است.

دوم، ارتقای کیفی آموزش، مورد توجه در تبصره های ۴۴ (ایجاد تسهیلات برای جذب فارغ التحصیلان دانشگاه های خارج از کشور)، ۴۶ (دعوت از استادان خارجی برای تدریس در دوره های عالی دانشگاهی)، ۴۷ (همکاری با کشورها برای گسترش آموزش عالی) و نیز بندهای فرعی ۱ تا ۳ از خط مشی ۵ (تعلیم و تربیت ویژه برای گروه های خاص مانند خانواده شهدا، کودکان استثنایی و ...) و بند ۳ از تصویر کلان (ارتقای کیفیت آموزش از طریق تعمیم مشارکت و خصوصی سازی) و

سوم، تقویت ارتباط آموزش و اشتغال، در بندهای ۲، ۵ و ۹ از خط مشی ۵ (تقویت ارتباط آموزش و اشتغال و بند ۶ تصویر کلان برنامه (تعریف و تقویت رابطه آموزش و اشتغال)

مسائل مورد توجه در ارتباط با نوجوانان و جوانان در برنامه اول تحت تأثیر سیاست ها و فضای ناشی از جنگ تحمیلی و پایان آن تقریباً در پرده ی محاق و نسیان قرار گرفته است. تنها در تبصره ۲۸ به تعهد و تکلیف جوانان در خدمت به کشور در مقابل تسهیلات دریافت شده از آموزش عالی و خط مشی ۱-۳- تأکید و تقویت بر آموزش آمادگی دفاعی در مدارس پسرانه و دخترانه اشاره شده است که نمی توان آنها را در نظر داشتن مسائل جوانان و ملاحظات نسلی به شمار آورد.

در زمینه مسائل زنان برنامه اول اعتلای سطح فرهنگ و آموزش دختران، افزایش و ارتقای مشارکت زنان در امور فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی را همراه با ملاحظات در جهت حفظ مبانی ارزشی اسلام و خانواده و کرامت زن در نهاد خانواده مورد تأکید قرار داده است. این تأکید در خط مشی ۳ در بند ۱۸ (مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی ... همراه با حفظ شئون خانواده و ارزش های متعالی شخصیت زن در اسلام) و بند ۱-۱ تصویر کلان برنامه (اعتلای سطح فرهنگ و آموزش زنان و دختران) دیده می شود.

برنامه دوم توسعه

برنامه دوم نیز در ۱۶ هدف کلان کیفی، ۱۶ خط مشی اساسی، ۸ سیاست کلی و ماده واحده مشتمل بر یکصد و یک تبصره و هفت هدف کمی کلان تنظیم و تصویب شده است.

توجه به امر فرهنگ در اهداف، خط مشی ها و تبصره های برنامه دوم نسبتاً گسترده و متنوع است. این توجه بیشتر مربوط به حفظ، تقویت و استمرار ارزش های معنوی، دینی و اخلاقی فرهنگ و انقلاب اسلامی، حفظ وحدت و انسجام فرهنگی، قانونمندی و نظم اجتماعی است.

حفظ، تقویت و استمرار فرهنگی در هدف ۲ (با عنوان رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه) و خط مشی های ۱-۷ (حفظ و تقویت ارزش های دینی) ۱-۲ (همان مضمون در بیان ترویج اندیشه های حضرت امام خمینی ره)، خط مشی ۲-۸ و ۳-۱۴ (حفظ ارزش های فرهنگی و معنوی خانواده) و ۷-۲، ۳ و ۴ و نیز خط مشی ۱۱-۶ (گسترش فرهنگ ایمان و معرفت در نیروهای مسلح و آحاد ملت) و خط مشی ۱۶ مورد تذکر و تأکید واقع شده است.

در تبصره های ۱۳ (با ذکر لزوم حل مشکلات ایثارگران و ...)، ۲۹ (تذکر به گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی) و ۵۵ (حفظ و اشاعه ارزش های دینی از طریق نشر و ترویج اندیشه های حضرت امام خمینی ره)، تقویت و تداوم ارزش های فرهنگی و انقلابی مورد تأکید قرار گرفته است.

توجه به حفظ نظم، انسجام، همبستگی و وحدت اجتماعی و ملی در بخش اول - هدفهای کلان کیفی، با عنوان "تلاش در جهت حاکمیت قانون، حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کار" (هدف ۱۳) ملاحظه می شود. ابعاد این توجه در خط مشی های ۲-۲ و ۲-۶ و ۲-۱۶ و نیز خط مشی های ۱۲-۳ و ۱۳-۱، ۵، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ به صورت تأکید بر حفظ و تقویت قانونمندی، تقویت روحیه انعطاف و همبستگی اجتماعی و ملی ذکر شده است. در تبصره های ذیل ماده واحده در این زمینه نکته خاصی ملاحظه نمی شود.

موضوع مورد توجه دیگر در بخش فرهنگ، تأکید بر مشارکت مردم در امور فرهنگی و ایجاد تسهیلات مورد نیاز برای تحقق این امر است. در بخش خط مشی ها، خط مشی ۲-۹ (واگذاری فعالیت های اجرایی، فرهنگی، ورزشی به مردم و تقویت مشارکت عمومی ...) خط مشی ۸-۲، ۳ و ۴ (با عنوان کلی تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته ...) و ۱۵-۱ (افزایش حمایت های قانونی و ایجاد تسهیلات جهت مشارکت هرچه بیشتر مردم در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی...) این توجه را می توان دید. تبصره ۴۲ نیز با هدف

مشارکت فعال ایثارگران، بسیجیان و رزمندگان در بازسازی و عمران کشور، دولت را به انجام بعضی اقدام‌ها مکلف کرده است.

مواجهه با تهاجم فرهنگی و برخورد فعال در عرصه فرهنگ جهانی در دو خط مشی و نیز تبصره ۵۷ قانون برنامه دوم مورد عنایت واقع شده است. خط مشی ۲-۱۵ (تلاش برای شناخت ترفندها، ابزارها و شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و برنامه ریزی برای مقابله جدی با آن) و نیز خط مشی ۳-۱۱ (شناساندن دشمنان داخلی و خارجی - به جوانان - و تقویت روح مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و مفاسد اجتماعی و بزهکاری) به موضوع تهاجم فرهنگی پرداخته و در تبصره ۵۷ نیز دولت در جهت مواجهه فعال در عرصه فرهنگی در دنیا موظف به انجام هفت اقدام مختلف شده است.

بالاخره، رویکرد فرهنگی برنامه دوم در یک خط مشی (۱-۱۵) و دو تبصره (۹-۱۱) و تبصره (۵۸) به ایجاد و تقویت بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی اشاره کرده است.

به طور کلی می‌توان گفت رویکرد برنامه دوم پاسداری و حراست از ارزش‌های فرهنگی و دینی و آمادگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی است که نسبت به کیان ارزش‌ها و مبانی انقلاب احساس می‌شود. در کنار این رویکرد کلی حفظ و تقویت وحدت و انسجام فرهنگی و قانون مدار کردن رفتارهای اجتماعی مردم نیز در برنامه مورد توجه است.

نگاه کلی برنامه دوم در بخش آموزش متوجه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه بوده که هدف شماره ۵ (تربیت نیروی انسانی مورد نیاز) و بندهای ۱، ۴، ۸، ۹ و ۱۷ از خط مشی ۵ منعکس است. این توجه در جهات ذیل در بخش‌های مختلف قانون برنامه مورد توجه واقع شده است.

۱. تعمیم آموزش، گسترش کمی آموزش و عدالت آموزشی (در خط مشی‌های ۱-۱)

۸، ۵-۱ و ۱۴ و نیز تبصره ۶۲)

۲. توجه به کیفیت آموزش و ارتقای آن (خط مشی ۵-۲، و تبصره ۶۴)

۳. توجه به نوآوری و خلاقیت، رشد تفکر علمی و انتقادی، تقویت تحقیقات علمی

و تقویت بنیه علمی دانشگاه‌ها از طریق ایجاد تسهیلات برای توسعه علمی،

دعوت از استادان خارجی (خط مشی های ۳-۵، ۸ و ۱۰ و نیز خط مشی ۱۴

(در ۱۲ بند فرعی) و تبصره های ۸۸، ۸۹ و ۹۰

۴. توجه به ارتباط آموزش با نیازهای بازار کار (سیاست کلی ۶) و نیازهای زیست

محیطی (تبصره ۱۹- بند ۷- اختصاص مواد کتب درسی به اهمیت آب و انرژی)

در مجموع می توان استنباط کرد که توجه برنامه دوم توسعه به گسترش کمی آموزش و پرورش معطوف است. ضمن آنکه کیفیت آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز در برنامه مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. نوآوری و خلاقیت علمی، تقویت توان پژوهش از جمله موارد توجه در برنامه دوم نسبت به تحولات اجتماعی و اقتضائات آن برای استمرار و تقویت ارتباط فرهنگی است.

هدف کلان کیفی شماره ۳- هدایت نوجوانان و جوانان در عرصه های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر، فن و تربیت بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، خدفا عمده ای است که برنامه دوم در حوزه ارتباط نسلی متذکر شده است.

این هدف در شش فراز از خط مشی های اساسی نیز مورد توجه و بحث قرار گرفته است که عبارتند از خط مشی ۲-۴ (تقویت ارزش های دینی، اخلاقی از طریق گسترش آموزش های مستقیم در هر منطقه)، ۲-۱۷ (تقدم پرورش بر آموزش)، نیز خط مشی ۳ (در ۱۵ بند فرعی، تأمل تقویت ارزش های فرهنگی، آشنایی با موارث فرهنگی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و مسئولیت پذیری و تقویت جنبه های فرهنگی و تعمیق معرفت دینی)، در تبصره های ۶۰، ۶۶، ۶۷ و ۶۸ نیز مراقبت فرهنگی، استمرار و تداوم ارزش های فرهنگی از طریق توجه به نیازهای نوجوانان و جوانان و گسترش ورزش و تربیت بدنی به عنوان اقدام های اجرایی مد نظر قرار گرفته است. ذکر این نکته لازم است که در جهت مواجهه با اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی موجود که در برنامه بدان پرداخته شده، برنامه و سیاست مدون و مشخصی توصیه نشده است.

خط مشی ۲-۱۳ (مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و اقتصادی با حفظ شوونات خانواده و ارزش های متعالی شخصیت اسلامی زن) و تبصره ۶۵ (مکلف شدن دولت نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش آموزان دختر و

بانوان، با توجه به حفظ شؤونات زن در جامعه اسلامی) موارد پرداختن به مسائل زنان به طور ویژه است. به نظر می‌رسد برنامه دوم از جهت توجه به مسائل زنان و مواجهه تحلیلی و واقع بینانه با جنبه‌های فرهنگی، ارزشی و سیاسی آن و ابعاد مربوط به موضوع زن در مسأله تهاجم فرهنگی توجه چندانی مبذول نکرده است.

برنامه سوم

قانون برنامه سوم در سه بخش، بیست و شش فصل و ۱۹۹ ماده به صورت زیر تهیه شده است:
بخش اول - حوزه فرابخشی (فصول ۱ تا ۱۲ و مواد ۱ تا ۱۰۵)
بخش دوم - امور بخشی (فصول ۱۳ تا ۲۵ و مواد ۱۰۶ تا ۱۹۷)
بخش سوم - اجرا و نظارت (فصل ۲۶ و مواد ۱۹۸ و ۱۹۹)

موضوعات مورد نظر در قانون برنامه سوم را می‌توان به صورت ذیل بیان و جمع بندی کرد:

مباحث مطرح شده در فرازهای حدود سیزده، ماده قانونی برنامه درباره فرهنگ را می‌توان در سه محور کلی دسته بندی کرد:

۱. نشر و ترویج ارزش‌های فرهنگی انقلاب و ارزش‌های فرهنگی و دینی، تأکید بر نشر و ترویج اندیشه‌های امام خمینی ره و مقام معظم رهبری (ماده ۱۵۹ و بندهای ذیل آن)

۲. ضرورت نظارت بر روند تحولات فرهنگی جامعه، رصد فرهنگی تحولات در جهت مواجهه به مسائل اجتماعی و فرهنگی و ایجاد آمادگی برای مقابله با تهاجم‌های فرهنگی از طریق نظارت و ارزشیابی تحولات و تلاش برای انطباق برداشت‌های متناسب با اقتضات و نیازهای اجتماعی و فرهنگی روز در امور دینی (ماده ۱۵۹، بند ه و ماده ۱۶۲، بند ج و ماده ۱۸۶)

۳. ایجاد بسترها و فضاها برای فرهنگی در جامعه، گسترش فضاها و امکانات فرهنگی، ورزشی و تربیت بدنی، هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی مدارس و مساجد و ایجاد و

تجلی عناصر فرهنگی در معماری و شهرسازی و گسترش مشارکت های مردمی(مواد

۱۳۷- ب، ۱۵۵- ب، ۱۵۶، ۱۶۳- و و مواد ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۸۹)

بعضی از مواد مربوط به بخش فرهنگی برنامه سوم در برنامه چهارم نیز تنفیذ شده اند(مواد

۱۶۳، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۸۶)

ویژگی نگاه برنامه سوم به بخش آموزش این است که تقریباً هیچگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی ویژه ای از جهت توجه به مسائل نوجوانان و جوانان در آن دیده نمی شود. مواد ۱۴۳ تا ۱۵۱ که بخش آموزش را شامل می شود عمدتاً به حل مشکلات اجرایی و رفع موانع مالی و قانونی بخش آموزش و پرورش پرداخته و یا مسائل مربوط به استفاده از امکانات و فضاها، آموزش ضمن خدمت کارکنان و ... را در نظر قرار داده است. در آموزش عالی نیز گسترش کمی مورد توجه است(ماده ۱۵۲).

بخشی از وظایف در جهت افزایش امکان آموزش های عمومی و فنی - حرفه ای نیز به صدا و سیما محول شده است(ماده ۱۶۷). قابل ذکر است که مواد ۱۴۷ - الف، ۱۴۹ و ۱۵۱ این برنامه نیز در برنامه چهارم (ذیل ماده ۵۳) تنفیذ شده است.

در بخش مسائل مربوط به نوجوانان و جوانان در برنامه سوم، چهارموضوع کلی قابل استنباط است:

۱. توجه به نیازهای آنان در عرصه های مختلف و تصویب راهکارها و برنامه ها برای

پاسخگویی به این نیازها، اصلاح ساختاری و تقویت بسترهای اجرایی برای حل

مشکلات و مسائل خاص جوانان(ماده ۱۵۷- الف، ب و ۱۶۹)

۲. ترویج ارزش های دینی و قرآنی در بین نوجوانان و جوانان(ماده ۱۵۹- و)

۳. توجه به ضرورت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، سیاسی و

اقتصادی (درباره های استانی)، با رویکرد حفظ فرهنگ بسیج (ماده ۷۱ - ن و

۱۷۵)

۴. نظارت و ارزیابی روند تحولات فکری، بینشی و رفتاری نوجوانان برای تدوین برنامه های مناسب هدایت جوانان (ماده ۱۶۲ - ج)

از خصوصیات قابل ذکر در بخش مسائل نوجوانان و جوانان در برنامه سوم می توان توجه به نیازهای این گروه سنی و در عین حال اهمیت نظارت و ارزیابی روند تحولات بینشی و فکری آنان را ذکر کرد که با توجه به اقدام مشابه در بخش فرهنگ (ارزیابی تحولات فرهنگی) حاکی از حساسیت برنامه به تحولات و تغییرات نسلی در جامعه است

نگاه برنامه سوم به مسائل زنان، همچون برنامه های قبل عمدتاً معطوف به گسترش و ساختارمند کردن مشارکت زنان در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. (این ساماندهی توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام می شود (ماده ۷۷ - ن). در عین حال توجه به اصول و ارزش های اسلامی و تقویت نهاد خانواده به عنوان یک ملاک در امر مشارکت اجتماعی زنان مورد توجه است (ماده ۱۵۸). افزایش فرصتهای شغلی برای زنان و پاسخ به نیازهای حقوقی و قضایی آنان از جمله نکات قابل ذکر در رویکرد برنامه سوم در این بخش است.

برنامه چهارم

نحوه تنظیم برنامه چهارم نیز مشابه برنامه سوم است. این برنامه در هفت بخش و پانزده فصل و مجموعاً ۱۶۱ ماده تنظیم شده است.

یک ویژگی متفاوت قانون برنامه چهارم در مقایسه با برنامه های قبلی این است که این برنامه با الهام از سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است. مواد مرتبط با چهاربخش مورد نظر این مقاله در برنامه چهارم نیز از فضای کلی سند چشم انداز متأثر است. به ملاحظات مرتبط با مناسبات نسلی در سند چشم انداز مستقلاً اشاره خواهد شد.

در نوزده ماده از فصول مختلف برنامه چهارم برای امور فرهنگی سیاست گذاری و برنامه ریزی شده است. این سیاست ها و برنامه ها در حوزه های زیر بیان گردیده اند:

۱. حفظ و استمرار ارزش های فرهنگی و معنوی، حفظ میراث فرهنگی و سنن قومی (در موارد ۹۹، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۷ و ۱۳۵). حمایت از ایثارگران، رویکرد تعقلی به دین، مقابله با هجوم فرهنگی، حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایرانی و نشانگان آن یعنی زبان فارسی، تجلی و توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی و سنن قومی از طریق ایجاد موزه های محلی و توجه به وحدت و انسجام قومی و فرهنگی و اقلیت های دینی از جمله نکات قابل توجه در مواد مختلف برنامه چهارم در زمینه حفظ و استمرار ارزش های فرهنگی است.

۲. ورود به بازار جهانی اطلاعات، مواجهه فعال در عرصه فرهنگ جهانی، همگرایی در سطح بین المللی و تلاش برای مفاهمه با جهانیان موضوع قابل توجه در سیاست های فرهنگی برنامه چهارم توسعه است. ورود به بازار جهانی اطلاعات و تلاش برای سهم مناسب از بازار مذکور (ماده ۴۴ - ب)، رویکرد مواجهه فعال در عرصه فرهنگ جهانی از طریق ساماندهی نظام رایانه ای در بخش فرهنگ برای کودکان و دانش آموزان، حمایت و توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری در محیط های رایانه ای و ایجاد فضاهای فرهنگی در کلیه شهرستانها و مراکز استانها (ماده ۱۰۴)، همگرایی فرهنگی در سطح بین المللی، ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها (ماده ۱۱۰) از جمله نکات مرتبط با این موضوع است.

۳. حفظ و حمایت از سرمایه های اجتماعی از طریق ایجاد و تقویت وفاق و اعتماد اجتماعی و وحدت ملی، قانون گرایی و وجدان فردی (ماده ۹۸)، نهادینه کردن حقوق فردی و اجتماعی و تهیه منشور حقوق شهروندی، توجه به حقوق کودکان و نوجوانان در جهت تقویت وفاق و وحدت ملی و فرهنگی و اقوام و گروههای اجتماعی (ماده ۱۰۰) و تقویت و توسعه فرهنگ مشارکت بر اساس حقوق شهروندی (ماده ۱۱۹).

۴. تقویت بسترهای فرهنگی، حمایت از متصدیان امور فرهنگی، تقویت امر تربیت بدنی و ورزش، رابطه آموزش و اشتغال و کاهش آسیب های اجتماعی(مواد ۹۵، ۹۷، ۱۱۶ و ۱۱۷)

فرازهای مهم قابل ذکر در بخش فرهنگ در برنامه چهارم هستند. در این برنامه، جامعیت، دقت و سازماندهی امور فرهنگی در مقایسه با سه برنامه قبل کاملا متفاوت و مطلوب تر است.

در بخش آموزش در برنامه چهارم سه ویژگی قابل ذکر ملاحظه می شود:

۱. استمرار توجه به تعمیم و گسترش آموزش عمومی و عالی (مواد ۵۰ و ۵۲)
 ۲. گسترش دانش و مهارت و ارتباط آموزش با بازار کار و آموزش های اجتماعی (مواد ۵۵ و ۱۱۹)
 ۳. توسعه کیفی تحقیقات (در حوزه آموزش عالی) و توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات (ماده ۴۳ و ۱۱۹)
- در برنامه چهارم به نظر می رسد رویکرد آموزشی متوجه توسعه مبتنی بر دانایی و تلاش برای افزایش توانایی نظریه پردازی در حوزه های اجتماعی در سطح جهانی و بهره گیری از فناوری اطلاعات در پیشبرد آموزش از موضوعات محوری تلقی می شوند.
- توجه به جوانان به عنوان سرمایه های انسانی و اجتماعی و تبیین و تقویت جایگاه آنان در جامعه امروز (ماده ۱۱۲)، توجه به روحیه آموختن، پژوهش و خلاقیت، توانمندسازی و رشد مهارت های اجتماعی (ماده ۴۸) و عنایت به مشارکت جوانان در سازندگی و فعالیت های اجتماعی و توصیه به وزارت خانه ها و دستگاه های مختلف (مانند جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان، شهرداری ها، دهیاری ها، هلال احمر و...) برای استفاده از ظرفیت این گروه سنی (ماده ۱۲۶)، تصویر کلی قابل ذکر در برنامه چهارم است.

ترجیح بند موضوعات مربوط به زنان در برنامه چهارم نیز همان تقویت نقش و امکان حضور آنان در عرصه های مختلف اجتماعی، رعایت حقوق اجتماعی آنان و رفع تبعیض از آنان است. نکته قابل تأمل و توجه در بحث از مسائل زنان در برنامه چهارم عدم حساسیت نشان دادن نسبت به لزوم انطباق سیاست های مربوط به زنان با ارزش های دینی و تقویت بنیاد خانواده است. مواد ۱۰۱ (رعایت حقوق زنان، منع تبعیض در اشتغال، گسترش حمایت های اجتماعی و برابری فرصت ها جهت دستیابی به مشاغل مناسب)، ۱۱ (تقویت نقش زنان در توسعه و گسترش سطح مشارکت ها)، ۱۱۷ (توجه ویژه به نیازهای ورزشی و تربیت بدنی زنان و دختران) و ۱۳۰ (رفع هر گونه تبعیض جنسی ، قومی و گروهی در قلمرو حقوقی و قضایی) در برنامه چهارم به امور زنان پرداخته است.

ارتباط نسلی از خلال سند چشم انداز بیست ساله

سند چشم انداز بیست ساله را شاید بتوان بهترین چارچوب برای ارزیابی موضوع در چهار برنامه پنجساله و به ویژه برنامه چهارم و ترسیم روند آینده جامعه از جهت عنایت به موضوع رابطه و فاصله نسلی به شمار آورد. ملاحظه هشت فراز اصلی سند چشم انداز بیانگر اهمیت دادن به سه موضوع در بحث از روابط نسلی است. این سه موضوع عبارتند از:

۱. توجه به هویت فرهنگی در سطح ملی، دینی و جهانی و پویایی فرهنگی
۲. تقویت انسجام و وحدت اجتماع- فرهنگی
۳. توسعه دانش و فناوری

موضوعات اول و دوم از یک منظر مراقبت و پاسداری از ارزش های فرهنگی به حفظ انسجام و تقویت هویت ملی و فرهنگی توجه دارند و موضوع سوم بر رویکرد مواجهه فعال با رویدادهای جهانی در عرصه فرهنگ، علم، دانش و فناوری است.

در بحث از توجه به هویت فرهنگی، مقوله های " توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود"، " مفتخر به ایرانی بودن"، " متعهد به انقلاب و نظام اسلامی"، "الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام" در مفاد سند به چشم می خورد و در حوزه تقویت انسجام و وحدت فرهنگی و اجتماعی، مواردی چون "تأکید بر مردم سالاری دینی"، "عدالت اجتماعی"، "آزادی های مشروع"، حفظ کرامت و حقوق انسانها" و "فرصت های برابر

(اجتماعی) و دوری از تبعیض"، سند چشم انداز را تزیین کرده است. توسعه دانش و فناوری نیز از خلال جست و جو برای "کشور توسعه یافته" و "دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی"، "تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم" و "نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی" قابل استخراج است.

بحث

اگر مجموع مباحث مرتبط با موضوعات "فرهنگ"، "آموزش"، "نوجوان و جوان" و "زنان" را در چهار برنامه توسعه مورد بازبینی قرار دهیم و نگاه موجود در حوزه مناسبات نسلی در سند چشم انداز را نیز در نظر داشته باشیم، می توان برداشت های کلی ذیل را به عنوان نتیجه و جمع بندی اجمالی ذکر کرد:

در بخش فرهنگ برنامه های چهارگانه مشترکاً به حفظ، تقویت و استمرار ارزش های معنوی و فرهنگی پرداخته اند. صورت های توجه به این امر و جهات تأکید در چهار برنامه تا حدودی متفاوت است. به این صورت که برنامه اول بیشتر نگران پاسداری از ارزش هاست، برنامه دوم در کنار این نگرانی، قانونمند کردن و قانون گرا نمودن جامعه را مد نظر قرار داده و در برنامه سوم مقابله با تهاجم فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. این نگرانی ها در برنامه چهارم به شکل ارزیابی تحولات فرهنگی و ساختارمند کردن رویکرد مواجهه فعال با موضوعات فرهنگی بیرون از جامعه و مسائل فرهنگ جهانی هدفمند و نظام مند شده است.

در بخش آموزش، حل مشکلات مربوط به کمیت آموزش، گسترش پوشش تحصیلی در حوزه آموزش و پرورش عمومی و عالی تقریباً در کلیه برنامه ها سایه انداخته است. توجه به کیفیت آموزش و رابطه آن با اشتغال، بازار کار و نیازهای اجتماعی نیز روح کلی چهار برنامه توسعه را در بر گرفته است. نوآوری و خلاقیت در حوزه آموزش در دو برنامه توسعه اخیر بیشتر خودنمایی می کند، ضمن آنکه انعکاس نیازها و مسائل نوجوانان و جوانان در حوزه آموزش را به طور مستقیم کمتر می توان دید. اگر مخاطب این عرصه را نوجوانان و جوانان بدانیم شاید انتظار مذکور چندان موردی نداشته باشد.

شاید نوجوانان و جوانان در چهار برنامه تفاوت بیشتری را از جهت توجه به مسائل و موضوعات مربوطه نشان دهند. در برنامه اول تقریباً ذکر چندانی از این گروه نسلی نشده است. برنامه های

سوم و چهارم نیز بر پرورش معنوی، اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی نوجوانان و جوانان متمرکز است. تنها در برنامه چهارم است که (شاید با الهام از فرازها و الزام های چشم انداز بیست ساله) به طور مستقیم به نیازهای نوجوانان و جوانان و ضرورت ارزیابی تحولات فکری و بینشی آنان توجه شده است. این توجه می تواند به عنوان تکیه گاهی جهت پرداختن به مسائل نسلی در برنامه های توسعه تلقی شود که باید به آن بیشتر پرداخته شود و ادامه یابد.

در کنار مسائل نوجوانان و جوانان به طور عام، مسائل زنان و دختران نیز در جای خود قابل تعمق است. مسئله حضور زنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی یک ضرورت چند جانبه در موضوعات فرهنگی، اجتماعی و نسلی است. انقلاب اسلامی، نگاه نوگرایانه به آموزه های اسلام و به ویژه تفسیرها و برداشت های حضرت امام به این موضوع، تحولات اجتماعی و فرهنگی، فشارهای و توقعات سیاسی و بین المللی، مسئله زنان را به چالشی در تحولات فرهنگی و اثر گذار بر روند روابط و احتمالاً فاصله های نسلی تبدیل کرده است. هرچند در چهار برنامه توسعه، چه به عنوان یک سیاست مدون و هدفمند و چه واکنش انفعالی در برابر انتظارات بیرونی و درونی، به مشارکت زنان در امور اجتماعی، رفع تبعیض از آنان و گسترش فرصت های شغلی برای آنان توجه شده، ولی در سه برنامه اول بر لزوم اقدام در چهارچوب اصول و ضوابط تعلیم و ارزش های اسلامی و نگاه به مسائل زنان از خلال نهاد و کانون خانواده صورت گرفته است.

در این موارد می توان و باید بیشتر اندیشید و تعمق کرد.

منابع

- پناهی، محمد حسین. ۱۳۸۲. تأثیر آموزش عالی بر شکاف نسلی، گزارش مطالعه "آموزش عالی و چالش های فرهنگی - اجتماعی آن". شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه شورای اجتماعی
- جلالی، محمد رضا. ۱۳۸۲. روانشناسی سیاسی انقطاع نسل ها. مجموعه مقالات گسست نسل ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، جهاد دانشگاهی
- چلیبی، مسعود. ۱۳۷۵. جامعه شناسی نظم. نشر نی

- کوزر، لوئیس. ۱۳۶۹. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی
- مددپور، محمد. ۱۳۸۲. صورت های نوعی گسست نسلی و فرهنگی . مجموعه مقالات گسست نسل ها
- قانون برنامه توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸). ۱۳۷۶. انتشارات سازمان برنامه و بودجه. چاپ سوم
- قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۴. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۳-۱۳۷۹). ۱۳۸۲. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. چاپ دوم
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۸-۱۳۸۴). ۱۳۸۳. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. چاپ دوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

<http://www.rooznamchegharie.ir/>